

رابطه شیوه های فرزندپروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود

والدین-دانش آموزان

مریم تقوایی یزدی^{*۱}

(۱) دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

*نویسنده مسئول: taghvaeeyazdi@iausari.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود دانش آموزان دبستانی منطقه ۱ شهرستان ساری بود. این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بوده است و جامعه آماری شامل کلیه والدین- دانش آموزان مقطع ابتدایی دخترانه شهر ساری منطقه یک را که تعداد آن ها ۱۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری به روش تصادفی- خوشه ای چندمرحله ای ۱۸۱ نفر والدین و ۱۲۱ نفر دانش آموزان انتخاب شده اند و ابزار گرد آوری پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزند-پروری (بامریند، ۱۹۹۱)، پرسشنامه ۲۴ سوالی احساس تنهایی (آشر SLFS، ۱۹۸۴) و سیاهه رفتاری کودک (آخنباخ CBCL، ۱۹۹۱) می باشد. روایی و پایایی ابزارها بعد از بررسی مورد تایید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که میان شیوه های فرزندپروری و احساس تنهایی کودکان رابطه وجود دارد. میان شیوه های فرزند-پروری و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن بود که سهم هر یک از شیوه های فرزند پروری بر پیش بینی احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان متفاوت است و مؤلفه شیوه فرزند-پروری مقتدرانه با بیشترین سهم (۰/۲۳) و شیوه فرزندپروری استبدادی با کمترین سهم (۰/۱۷) در پیش بینی احساس تنهایی کودکان نقش دارند. مؤلفه شیوه فرزندپروری استبدادی با بیشترین سهم (۰/۴۹) و شیوه فرزندپروری مقتدرانه با کمترین سهم (۰/۲۵) در پیش بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان نقش دارند.

کلید واژگان: فرزند پروری، احساس تنهایی، اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود.

مقدمه

است که چهارچوب اصلی شخصیت کودک پی ریزی می شود و در مراحل بعدی رشد و تکامل می یابد؛ این مسأله باعث گردیده که به تعلیم و تربیت کودک در سنین پیش از دبستان با دیدی عمیق و علمی نگاه شود و شیوه فرزندپروری به عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه متخصصان و مسئولان تربیتی قرار گیرد (رادفر، زارعی، سودانی و معلم، ۱۴۰۱).

نوع شیوه فرزندپروری والدین و عدم توجه در ایجاد - سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و

«خانواده» به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. خانواده باید هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و تلاش شود که از ستیزه های خانوادگی جلوگیری به عمل آید. یکی از عوامل موثر در رفتار فرد، خانواده است. محیط خانواده نخستین و بادوام ترین عاملی است که در رشد شخصیت فرد تأثیر می گذارد. یکی از جنبه هایی که توجه خاص علمای تعلیم و تربیت و روانشناسی را به خود جلب نموده سال های اولیه زندگی کودک است، در این سنین

کننده ای را تجربه کند، شاید تنهایی، نتیجه تعامل های بین کودک و سبک های فرزندپروری والدین است. برگونو و همکاران^۳ (۲۰۱۷) احساس تنهایی را بر پایه سه مؤلفه شناختی، خلقی و رفتاری تعریف می کنند (شمسیان، فرهادی شوربلاغی و رضوی، ۱۳۹۴). احساس تنهایی تبعات مثبت و منفی آن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه روانشناسی بوده است؛ به طوری که، احساس تنهایی را از جمله بحران های مهمی می دانند که سازگاری فرد با محیط را دچار مشکل می کند. به عقیده اکثر نظریه پردازان بخش مهمی از این احساس تنهایی تحت تأثیر شیوه هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود از آن استفاده می کنند (هترینگتون و ریس، ۲۰۲۰). از طرفی رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به- عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق سبک ها و روش های مختلف فرزندپروری در کودکان تأثیر می گذارد. اکثر روانشناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس تحول عاطفی تلقی می- کنند (خوئی نژاد، رجایی و محب راد، ۱۳۹۲). از طرفی این احساس تنهایی در سال های ابتدایی زندگی اغلب کودکان به وجود آمده و تداوم می یابد و زمینه ساز انواع اختلال های رفتاری در کودکان می شود؛ زیرا در ایران نیز، پیش بینی می شود که شیوع اختلال های رفتاری در کودکان، بیش از حد انتظار باشد، زیرا نگرانی در مورد سلامت روان کودکان و تأثیر آن بر رشد و عملکرد کودک، همزمان با افزایش میزان شیوع اختلالات روانی قابل تشخیص، در سال های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است و بر همین اساس متخصصان بر اهمیت ارزیابی و درمان به موقع اختلالات روانشناختی تأکید می کنند. از آن جا که الگوهای هیجانی و رفتاری در بزرگسالی دشوارتر تغییر می کنند، تشخیص هر چه زودتر مشکلات سلامت روان در کودکی یکی از مسائل پیشگیرانه بهداشت همگانی

فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کاهش اعتماد به نفس، کاهش انگیزش و مشکلات روانی روبرو می سازد. تاکنون مطالعات متعددی در مورد شیوه های فرزندپروری و پیامدهای روانشناختی و بهداشت روانی آن صورت گرفته است که از جمله می توان به نقش شیوه های انضباطی سخت گیرانه مادران در افزایش هیجان های منفی کودکان کمبود مشارکت، صمیمیت و پاداش در رابطه والدین کودک به عنوان پیش بینی کننده بروز مشکلات در آینده والدین مقتدر درخواست های معقولی برای پختگی دارند. درخواست ها را با تعیین محدودیت ها و اصرار بر این که کودک باید از آنها تبعیت کند، به اجرا می گذارند (مقبل باعرض، قربان جهرمی و درتاج رابری-، ۱۴۰۰). والدینی که از شیوه مستبدانه استفاده می کنند نیز متوقع هستند، ولی برای پیروی کردن آن، چنان ارزش زیادی قائل هستند که فرزندان شان دوست ندارند پیروی کنند، در شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین از لحاظ پاسخ دهی در سطح بالایی قرار دارند، لکن توقعات آنها از فرزندان اندک است و از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند. کوریدو، وارنر و نیز تحقیقات آلدرد و لوئیس^۱ (۲۰۰۹) نشان داده است که کودکانی که والدین خودکامه دارند کمتر متکی به خود هستند و نمی توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده ای داشته باشند، شاید به این دلیل که به قدر کافی فرصت نداشته اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند، در ضمن این کودکان اعتماد به نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند، ذهن کنجکاو ندارند، از لحاظ رشد اخلاقی کمتر رشد یافته اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف پذیری کمتری دارند پس احساس تنهایی بیشتری را تجربه می کنند (نازپور مظاهری و قلی زاده، ۱۴۰۰).

الهاگین^۲ (۲۰۱۴)، تنهایی را به عنوان تجربه ای منفور، پریشان کننده و ناخوشایند بیان می دارد که باعث می گردد نوجوان احساس حقارت کرده و حالات خلقی ناراحت

^۳ . Berguno et al

^۴ Hethrington and Reiss .

^۱ . Alder, Ioeis

^۲ . Elhageen

است (حسن زاده محمدی و طباطبایی نژاد، ۱۴۰۱). اختلال- های رفتاری هم به طور چشمگیری بر عملکرد تحصیلی- اجتماعی کودکان، تاثیر منفی می گذارند و احتمال ابتلا به بیماری های روانی در دوره بزرگسالی را افزایش می دهند تا همین اواخر به راحتی فرض می شد که کودکان همان مشکلات بزرگسالان را دارند؛ اما در سال های اخیر، به- طور روز افزون، به مشکلات روان شناختی کودکان نیز توجه شده است. در واقع، شناسایی مواردی که مشکلات بالینی دارند و بررسی نوع، شدت و توزیع مشکلات سلامت روان و اختلالات کودکان، می تواند به منظور ارزیابی میزان شیوع آشفتگی های روان شناختی، تعیین روند کنونی آنها و تحول فرضیه های سبب شناسی به کار رود (کانیو، بارد، استیپس و براوی^۱، ۲۰۱۵).

کوالتر، براون، روتنبرگ، واهالست، گوسنس، بنگه و مان^۲ (۲۰۱۳) دریافتند که شیوه های فرزندپروری خصمانه و اجباری به طور کلی سبب کاهش سازگاری و به طور خاص موجب ایجاد مشکلات رفتاری برون سازی در کودکان می شود. نتایج تحقیقات الکساندر^۳ (۲۰۱۶) درباره نقش سبک مستبدانه نیز نشان می دهد که در این سبک ساختار در حد بالایی وجود؛ به طوری که کنترل و سخت گیری بیش از حد موجب ایجاد ساختاری انعطاف ناپذیر می شود. همچنین مؤلفه رابطه در این سبک پایین است و این والدین از تنبیه های سخت برای کنترل کودکان استفاده می کنند (ماشینیچی و زارعی، ۱۳۹۹). روانشناسان رشد علاقه مند بودند بدانند که چگونه والدین، رشد اجتماعی و شایستگی را در کودکان پرورش می دهند. یکی از نیرومندترین رویکردها در این زمینه، مطالعه ای تحت عنوان شیوه های فرزندپروری می باشد که توسط دارلینگ^۴ (۱۹۹۹) صورت گرفته است. شیوه فرزندپروری به عنوان مجموعه یا منظومه ای از رفتارها تعریف شده است که تعاملات والد- کودک را در طول دامنه گسترده

ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض بر این است که یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می آورد. شیوه فرزند پروری، عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفاء می کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرشها، رفتارها و شیوه های فرزندپروری والدین، تقریباً غیرممکن است. شیوه های فرزندپروری والدین به طور قابل توجهی پیامدهای مهمی را برای سلامت روانی فرزندان به دنبال دارد و بر اساس ترکیب پاسخ دهی و توقعات والدین به سه شیوه مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه و بی کفایت تقسیم بندی می شود (گالامبوس، بارکر، آلمیدیا^۵، ۲۰۲۲). شیوه های فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روشها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (قسامی و همکاران، ۱۳۹۹).

اصطلاح «اختلالات رفتاری»، بدون آنکه تعریف شود، تقریباً ۸۵ سال پیش، وارد فرهنگ علم روان شناسی شده است. از آن هنگام معلمان، پزشکان، روان شناسان و افراد دیگری که با مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان در ارتباط هستند؛ از این اصطلاح برای بیان مقصود خویش استفاده کرده اند؛ اما تعریف واحدی که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. ردز و پال^۶ (۲۰۰۹) معتقدند که تعریف اختلال رفتاری به لحاظ انفجار ایده ها و تعدد نظرات فراوانی که توسط متخصصین رشته های گوناگون علوم انسانی در این مورد مطرح می باشد، روشنی و صراحت خود را از دست داده است. دانش آموز با اختلالات رفتاری را دانش آموزی می داند که رفتارهایش به اندازه ای نامناسب است که شرکت او در کلاس درس، باعث از هم گسیختن حواس یا آشفتگی ذهنی سایر همکلاسان باشد و نیز فشاری بیش از حد به معلم وارد

^۱ . Canio, Bird, Stipeć & Bravi

^۲ . Qualter, Brown, Rotenberg, Vanhalst, Goossens, Bangee & Munn

^۳ . Alexander

^۴ . Darling

^۵ . Galambos, Barker & Almeida

^۶ . Redz & Paul

جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (توکلی زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

شیوه‌های فرزندپروری والدین در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و بطور کلی بهداشت روانی فرزندان نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای دارند. از آن‌جا که پرورش شخصیت سالم فرزندان به عنوان افرادی مفید و سازنده برای خانواده، و اجتماع از هدف-های تربیتی اولیاء محسوب می‌شود؛ از این رو برگزیدن شیوه‌های مناسب سبک تربیتی برای والدین خدمت بزرگی به فرد، خانواده و جامعه به شمار می‌آید (جوهری-فرد، زهراکار، فرخی و مردانی‌راد، ۱۴۰۰)؛ اما نظر به این-که سلامت روانی فرزندان تابعی از متغیرهای بسیار پیچیده و فراوانی نظیر وضعیت روانی-عاطفی-اقتصادی خانواده، رشد فرزندان، شغل والدین، محل جغرافیایی سکونت‌شان، تک فرزندی یا تعداد فرزندان، فرهنگ محلی و رسانه‌ها می‌باشد (داودی و صداقتی‌فرد، ۱۴۰۰)؛ لذا متخصصان در تلاش برای مشخص کردن عوامل خطر ساز ممکن برای مشکلات رفتاری کودک هستند، محققان اغلب ویژگی‌های والدینی را بررسی کرده‌اند که ثابت شده است که یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد کودک است. عوامل زیادی تفاوت‌های خاص را در رفتار والدین منجر می‌شود. بر اساس تعدادی از نظریه‌ها، شخصیت والدین نقش اصلی را به خود اختصاص داده است. به دلیل این‌که شخصیت والدین هم با شیوه‌هایی که پدر و مادر نقش والدینی خود را ایفاء می‌کنند و هم با کیفیت روابط نزدیک پدر و مادر مرتبط است. از شیوه‌های فرزندپروری که والدین برای ایفاء نقش والدینی خود و همچنین تربیت و پرورش فرزندان خود انتخاب می‌کنند میتوانیم به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، سبک فرزندپروری استبدادی و سبک فرزندپروری مقتدرانه اشاره کنیم (ترکش‌دوز و فرخزاد، ۱۳۹۶).

پیامدهایی که این سبک برای کودک به همراه دارد، شامل رفتارهای منفی در قالب مشکلات برون‌سازی شده و همچنین مشکلات درونی‌سازی شده است. پاترسون

کند. کرک^۱ (۲۰۱۱)، رفتاری را انحرافی یا هنجاری می‌داند که ضمن نامتناسب بودن با سن فرد، شدید، مزمن یا مداوم باشد و گستره آن شامل رفتارهای بیش‌فعالی و پرخاشگرانه تا رفتارهای گوشه‌گیرانه است. ویژگی این‌گونه رفتارها این است که اولاً تأثیر منفی بر فرایند رشد و انطباق مناسب کودک با محیط دارد، ثانیاً مزاحمت برای زندگی دیگران و استفاده آنان از شرایط به وجود می‌آورد (شمسیان و همکاران، ۱۳۹۴). محققین، مشکلات و اختلالات رفتاری را ناشی از علل مختلفی می‌دانند که مهمترین آنها عبارتند از:

- اختلالات بیولوژیک (مشکلات ژنتیکی، نورولوژیکی و بیوشیمیایی).
- فضای نامساعد خانوادگی (نظریه رفتاری یادگیری و نظریه روانکاوی).
- تأثیرات سوء فرهنگی و اجتماعی (نظریه جامعه‌شناسی و بوم‌شناسی).
- تجربه‌های نامطلوب و شکست‌های پی در پی (ترکش‌دوز و فرخزاد، ۱۳۹۶).

اختلالات رفتاری برون‌نمود الگوهای رفتاری ناسازگاری هستند که مشکلاتی را برای دیگران ایجاد می‌کنند و اختلالات رفتاری درون‌نمود اختلالی هستند که معطوف به درون‌فرد تلقی می‌شوند (آخنباخ و رسکورلا، ۲۰۱۸).

اهمیت موضوع ارتباط والدین و فرزندان سال‌ها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه درباره جهان و همچنین، شیوه‌های سخن‌گفتن و هنجارهای اساسی رفتار را فرا گرفته و نگرش‌ها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد و به عبارتی اجتماعی می‌شود. هر خانواده شیوه خاصی را تحت عنوان شیوه‌های فرزندپروری در تربیت فرزندان خویش به‌کار گرفته، که متأثر از عوامل متفاوتی از

^۱. kerk

^۲. Akhenbach & Rescorla

^۱(۲۰۱۱) معتقد است که اختلالات برونی سازی شده نتیجه شکست در اعمال قوانین والدینی هستند که معمولاً دارای سه ویژگی هستند: قوانین بی ثبات، نظارت کم و مهارت‌های ضعیف حل مسئله. این نوع سبک فرزندپروری، کودکان را به سمت نافرمانی سوق می‌دهد. در همین راستا گیمپل و هالند (۲۰۱۰) نیز بیان کرده اند که ضعف مسئولیت‌پذیری والدین و تنبیه شدید، خطر بروز اختلالات برونی‌سازی شده را افزایش می‌دهد، به عبارت دیگر، والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری برونی‌سازی شده، رفتارهای امری بیشتری دارند، بیشتر مخالفت می‌کنند، پاداش‌های کمتری به رفتارهای مطیع کودک می‌دهند و پاداش‌های ارایه شده‌ی آن‌ها بیشتر جنبه‌ی اتفاقی دارد. به نظر می‌رسد به مرور زمان هر چه بیشتر این کودکان تحت این نوع سبک فرزندپروری قرار گیرند کودکان مضطرب، گوشه‌گیر و ناخشنود می‌شوند، بنابراین احتمال بروز مشکلات درون‌سازی شده در آنان بالاتر می‌رود (بامریند^۲، ۲۰۱۸). از طرفی کودکانی که والدین با سبک تربیتی مقتدر دارند، نسبت به کودکانی که والدین آنها سبک تربیتی مستبد و سهل‌گیر دارند از احساس تنهایی کمتری برخوردارند. این نکته نشان‌دهنده این است که این کودکان رابطه عاطفی گرم‌تری با والدین خود دارند و بهتر می‌توانند در مورد احساسات و مسائل خود با والدین گفتگو کنند. این امر احتمالاً به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتارهای بهنجار این کودکان کمک خواهد نمود (حسن‌زاده محمدی و طباطبایی‌نژاد، ۱۴۰۱).

رادفر و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان « اثربخشی بسته آموزشی فرزندپروری بر کاهش مشکلات اجتماعی و کمبود توجه نوجوانان دارای مشکلات عاطفی و رفتاری» به نتایج زیر دست یافتند: بسته آموزشی تدوین شده تأثیر معناداری بر نمره مشکلات اجتماعی ($F=17/240, P<0/01$) داشته، ولی این تغییر بر کمبود توجه نوجوانان ($F=2/923, p=0/05$) معنی‌دار نبود. با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان بیان نمود؛ بسته

تدوین شده فرزندپروری می‌تواند به عنوان یک مداخله مؤثر به منظور توانمندسازی والدین در حل مشکلات اجتماعی نوجوانان دارای مشکلات عاطفی و رفتاری مورد استفاده قرار گیرد. مقبل باعرض و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « تدوین مدل مهارت خواندن کودکان پیش‌دبستانی بر اساس کمال‌گرایی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با نقش میانجی هوش هیجانی» به نتایج زیر دست یافتند: اثر مستقیم، مثبت و معنادار هر سه شیوه فرزندپروری والدین بر هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی تأیید می‌شود. اثر مستقیم، مثبت و معنادار هر سه شیوه فرزندپروری والدین بر توانایی تحصیلی زودهنگام کودکان پیش‌دبستانی تأیید می‌شود. اثر مستقیم، مثبت و معنادار کمال‌گرایی مثبت والدین بر توانایی تحصیلی زودهنگام کودکان پیش‌دبستانی تأیید می‌شود و در خصوص اثر مستقیم و منفی کمال‌گرایی منفی والدین بر توانایی تحصیلی زودهنگام کودکان پیش‌دبستانی رد می‌گردد. بنابراین اثر مستقیم، مثبت و معنادار هوش هیجانی می‌شود. نازپورمظاهری و قلی‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « رابطه سبک‌های فرزندپروری با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان» به نتایج زیر دست یافتند: بین سبک هویت اطلاعاتی با رابطه با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی با فرار از خانه و مدرسه در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و با رابطه به جنس مخالف در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی هنجاری و سبک‌های هویتی با هیچ خرده‌مقیاسی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. سبک فرزند پروری استبدادی با رفتار پرخطر و خرده‌مقیاس‌های آن رابطه معنی‌دار ندارد ولی سبک فرزند پروری سهل‌گیر با فرار از خانه و رابطه با جنس مخالف رابطه مثبت معنی‌دار دارد. بین سبک دلبستگی دموکراتیک با حمل اسلحه و چاقو، مصرف مواد مخدر، رابطه با جنس مخالف و

^۱. Paterson
^۲. Baumrind

رفتارهای پرخطر در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد و نیز شیوه‌های فرزند‌پروری نامناسب منجر به بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان می‌شود همچنین سبک‌های هویتی نیز نقش مهمی در بروز رفتارهای پرخطر دارد. جوهری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « بررسی مدل علی گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان بر اساس باورهای فراشناختی و سبک‌های هویت با میانجی‌گری افکار منفی تکرارشونده و تاب‌آوری» به نتایج زیر دست یافتند: که بین باورهای فراشناختی و سبک هویت هنجاری، هویت سردرگم-اجتنابی و افکار منفی تکرار شونده با گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین هویت اطلاعاتی، تعهد هویت، تاب‌آوری با گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر این، نتایج مدل‌یابی علی معادلات ساختاری نشان داد که باورهای فراشناختی و سبک‌های هویت به طور مستقیم و غیرمستقیم با میانجی‌گری افکار منفی تکرار شونده و تاب‌آوری با گرایش به رفتار پرخطر رابطه دارند. نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش افکار منفی تکرار شونده و تاب‌آوری می‌توانند در رابطه بین باورهای فراشناختی و سبک‌های هویت با گرایش به رفتار پرخطر نقش میانجی داشته باشند. داودی و صداقتی‌فرد (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « بررسی رابطه شیوه‌های فرزند‌پروری والدین با عزت‌نفس و احساس خودکارآمدی کودکان» به نتایج زیر دست یافتند: برخلاف شیوه‌های فرزند‌پروری سهل‌انگارانه و مستبدانه، شیوه فرزند‌پروری مقتدرانه بر افزایش احساس خودکارآمدی و افزایش عزت‌نفس کودکان موثر است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری همزمان نشان داد شیوه فرزند‌پروری مقتدرانه بر احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس کودکان تاثیر معنادار دارد. درواقع شیوه فرزند‌پروری مقتدرانه می‌تواند باعث افزایش احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس کودکان شود. و شیوه فرزند‌پروری سهل

انگارانه و شیوه فرزند‌پروری مستبدانه اثر معناداری بر احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس کودکان ندارد. بر خلاف شیوه‌های فرزند‌پروری سهل‌انگارانه و مستبدانه که اثرگذاری منفی بر احساس خودکارآمدی و عزت‌نفس کودکان دارند، سبک فرزند‌پروری مقتدرانه تاثیری مثبت در افزایش این دو متغیر دارد و لازم است در جامعه تقویت شود. قسامی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «نقش عوامل مادرانه در شکل‌گیری مشکلات رفتاری کودکان: تلویحاتی در فرزند‌پروری» به نتایج زیر دست یافتند: مدل‌نهایی پس از حذف مسیر غیرمعنی‌دار شیوه‌های فرزند‌پروری به مشکلات رفتاری کودک، از برآزش خوبی برخوردار بود و در مجموع، عوامل مادرانه توانست ۵۱ درصد واریانس مشکلات رفتاری کودک را تبیین کند. یافته‌ها نشان داد دل‌بستگی مادرانه به صورت مستقیم بر ذهن‌آگاهی مادر، تنیدگی والدینی و شیوه‌های فرزند‌پروری اثر می‌گذارد و به صورت غیرمستقیم و از طریق تنیدگی والدینی و کیفیت مراقبت مادرانه بر مشکلات رفتاری کودک تاثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان داد ذهن‌آگاهی به صورت مستقیم بر تنیدگی والدینی، شیوه‌های فرزند‌پروری و کیفیت مراقبت مادرانه تاثیر می‌گذارد و با واسطه‌گری کیفیت مراقبت مادرانه و تنیدگی والدینی بر مشکلات رفتاری کودک اثر می‌گذارد. همچنین، تنیدگی والدینی هم به صورت مستقیم، و هم به صورت غیرمستقیم از طریق اثر بر کیفیت مراقبت مادرانه، بر مشکلات رفتاری کودک اثر می‌گذارد. نتایج از نقش مهم ویژگی‌های مادر در شکل‌گیری مشکلات رفتاری کودک حمایت کرد. مضامین کاربردی نتایج الگوی‌نهایی در آموزش‌های فرزند‌پروری، به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. ماشینچی و زارعی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان « رابطه بین شیوه فرزند‌پروری والدین با عملکرد تحصیلی فرزندان دختر و پسر آنها در مقطع ابتدایی پایه دوم شهرستان عسلویه در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷» به نتایج زیر دست یافتند: سبک فرزند‌پروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنادار و سبک

فرزندپروری مستبدانه با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنادار دارد، اما سبک فرزندپروری سهل گیر با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار نداشت. گالامبوس و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تاثیر سبک‌های فرزندپروری والدین بر اختلالات دوران نوجوانی» پرداخته‌اند و یافته‌های این پژوهش نشان داده که، والدین اقتدارمنش در سازگاری نوجوانان خود نقش موثرتری را ایفا می‌کنند. سبک اقتدارمنش می‌تواند به کاهش معنی دار اختلالات رفتاری در نوجوانان منجر شود. جونز و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین احساس تنهایی و اضطراب دانش آموزان» پرداخته‌اند و یافته‌های این پژوهش نشان داده که بین احساس تنهایی و شرمساری، همبستگی مثبت وجود دارد، ارتباط مثبت و معناداری بین احساس تنهایی و اضطراب حالت و صفت وجود دارد. هارت و همکاران^۳ (۲۰۲۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تاثیر شیوه های فرزند پروری والدین بر اختلالات رفتاری کودکان» پرداخته‌اند و یافته‌های این پژوهش نشان داده که این سبک ها ممکن است، پیامدهای مثبت یا منفی رفتاری را در کودکان افزایش دهد. نانسی و همکاران^۴ (۲۰۲۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی سه نوع رفتار والدین بر روند مشکلات درون سازی و برون سازی در ابتدای نوجوانی» پرداخته اند و یافته‌های این پژوهش نشان داده که، رفتار اقتدارطلبانه والدین (حمایت بالا، کنترل رفتاری بالا) به طور معنی داری با پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه دارد. هم چنین این روش فرزند-پروری با رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی داشت و نیز شیوه استبدادی با افسردگی در ارتباط بود.

به‌طور کلی دوران اولیه رشد کودکان با نیازهای ویژه، ویژه‌ترین دوره زندگی آنهاست؛ زیرا در این دوره روند پیشرفت و وخیم تر شدن نیازهای ویژه و ایجاد محدودیت‌ها از یک سو و کاهش و از دست رفتن فرصت‌ها از سوی دیگر، دو رخداد همزمان هستند که در

صورت عدم مداخله مناسب به تدریج موجب تحلیل توانایی فرد و تحمیل بیشتر ناتوانی به او می‌شود؛ بنابراین با توجه به آنچه گفته شد پژوهشگر در پی آن است که آیا بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان رابطه وجود دارد؟ با توجه به مطالبی که ذکر شد در این تحقیق با توجه به اهمیت این موضوع بدان پاسخ داده می‌شود؛ لذا با توجه به متغیر اصلی پژوهش حاضر (شیوه های فرزندپروری) به‌عنوان یک عامل مهم، احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان در ضرورت پژوهش در باب تعیین رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان بسیار پر اهمیت به نظر می‌رسد. حال بر اساس پیشینه نظری، به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود دانش آموزان پرداخته می‌شود. فرضیات پژوهش به شرح زیر می باشد:

۱. بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس

تنهایی کودکان رابطه وجود دارد.

۲. بین شیوه‌های فرزندپروری با اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان رابطه وجود دارد.

۳. سهم هر یک از شیوه‌های فرزندپروری بر پیش‌بینی احساس تنهایی کودکان متفاوت است.

سهم هر یک از شیوه‌های فرزندپروری بر پیش‌بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان متفاوت است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۴۰۰ نفر از والدین- دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر ساری (منطقه یک) که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند. دوره ابتدایی اول شامل پایه اول تا سوم می باشد. تعداد نمونه بر اساس جدول

¹. Galambvs et al

². Jones et al

³. Hart et al

⁴. Nanci et al

پرسشنامه سیاهه رفتاری کودک آخنباخ (۱۹۹۱): این مقیاس سیاهه رفتاری کودک آخنباخ برای تشخیص کودکان با اختلال رفتاری بر اساس (DSM_IV) ساخته شده است و برای کودکان ۵-۱۵ سال استفاده می‌شود و پرسشنامه ۱۱۳ سوال دارد. والدین این کودکان به سوالات (۹۵، ۸۶، ۲۳، ۲۲، ۳) پاسخ داده و نمرات این مقیاس بین ۰-۵ بهنجار و ۵-۷ مرز و ۸-۱۰ ناهنجار محسوب می‌شوند. ضرایب آلفای مقیاس سازش یافتگی کلی فرم TRF، ۰/۸۳ می‌باشد. ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های نشانگانی مبتنی بر تجربه و مبتنی بر DSM هر سه فرم (CBCL، TRF و YSR) نیز اکثراً در سطح مطلوب و رضایت‌بخش قرار دارند.

از آمار توصیفی برای تهیه و تنظیم جداول، نمودار، فراوانی، درصد فراوانی و جهت تحلیل توصیفی داده‌های حاصل از اجرای تحقیق استفاده شده است و از آمار استنباطی به منظور تعیین معنادار بودن فرضیه‌های تحقیق از روش آماری هبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی بیانگر آن است که ۴۰ درصد از پاسخگویان دانش‌آموز، ۶۰ درصد والدین می‌باشند. ۹ درصد از پاسخگویان پایه اول، ۱۲ درصد پایه دوم، ۱۴ درصد پایه سوم، ۲۱ درصد پایه چهارم، ۲۰ درصد پایه پنجم، ۲۴ درصد پایه ششم مشغول به تحصیل می‌باشند. به منظور توزیع نرمال داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده که نتایج آن در ذیل مشخص شده است.

کرجسی و مورگان صورت گرفته که تعداد ۱۸۱ نفر والدین و ۲۱ نفر دانش‌آموزان دختر به روش نمونه‌گیری تصادفی - خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهشی از سه ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است که عبارتند از:

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱): فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۹۱) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین‌پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می‌آید. ضریب پایایی مقیاس فرزندپروری سهل‌گیرانه، شیوه فرزندپروری استبدادی آن به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۶۷ و شیوه فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۴ تعیین شده است.

پرسشنامه احساس تنهایی آشر (۱۹۸۴): این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال می‌باشد که به ارزیابی احساسات تنهایی اجتماعی و تنهایی عاطفی می‌پردازد که آزمودنی‌ها با پاسخ‌دهی به هر یک از سوال‌های این پرسشنامه مطابق با وضعیت فعلی خود و روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای (از ۱= اصلاً در مورد من درست نیست تا ۵= کاملاً در مورد من درست است) میزان احساس تنهایی خود را گزارش کردند. ۸ ماده این مقیاس (عبارتند از ۲، ۴، ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۳) مربوط به سرگرمی است و نمره‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد. در این مقیاس نمره هر آزمودنی در دامنه ۱۶ تا ۸۰ قرار می‌گیرد (نمره‌گذاری سوالی ۳، ۶، ۹، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۴) باید به صورت معکوس نمره گذاری شود. ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ است و نیز همسانی درونی آن با توجه به همبستگی ۰/۶۱ دو نیمه آزمون و با استفاده از روش تنصیف، در سطح قابل قبولی است.

جدول ۱- نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنف

| متغیر | مقدار آماره K-S | سطح معناداری | نتیجه |
|---------------------------------------|-----------------|--------------|-------|
| احساس تنهایی | ۲/۹۶۳ | ۰/۲۱۴ | نرمال |
| اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود | ۱/۵۸۲ | ۰/۲۱۳ | نرمال |

بررسی سوالات پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده

کرد.

فرضیه اول: بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس تنهایی کودکان رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون سطح معناداری متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد؛ در نتیجه تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال می باشند و می توان برای

جدول ۲- ماتریس همبستگی شیوه های فرزند پروری و احساس تنهایی

| متغیرها/شاخص ها | تعداد | آبدست آمده | سطح معناداری Sig |
|----------------------|-------|------------|------------------|
| شیوه های فرزند پروری | ۳۰۲ | ۰/۵۰۸** | ۰/۰۰۰ |
| احساس تنهایی | | | |

فرضیه تحقیق تایید می‌گردد، یعنی بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس تنهایی کودکان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین شیوه‌های فرزندپروری با اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۲ می توان گفت که چون ضریب همبستگی محاسبه شده ($r = -0/508$) با مقدار سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه صفر رد و

جدول ۳: ماتریس همبستگی شیوه های فرزندپروری با اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود

| متغیرها/شاخص ها | تعداد | آبدست آمده | سطح معناداری Sig |
|---------------------------------------|-------|------------|------------------|
| شیوه های فرزند پروری | ۳۰۲ | ۰/۵۴۷** | ۰/۰۰۰ |
| اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود | | | |

فرزندپروری با اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: سهم هر یک از شیوه های فرزندپروری بر پیش‌بینی احساس تنهایی کودکان متفاوت است.

بر اساس نتایج جدول ۳ می توان گفت که چون ضریب همبستگی محاسبه شده ($r = -0/547$) با مقدار سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تایید می‌گردد، یعنی بین شیوه های

جدول ۴: تحلیل رگرسیون به روش **Enter** متغیرهای (احساس تنهایی) پیش بین (شیوه های فرزند پروری) و متغیر ملاک

جدول ۴- مدل خلاصه شده تحلیل رگرسیون

| مدل | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد |
|-----|----------------------|------------|----------------------|
| ۱ | ۰/۳۴۴ | ۰/۴۳۲ | ۰/۴۱۴ |

(واریانس) احساس تنهایی از طریق سه شیوه فرزندپروری

سهل گیرانه، استبدادی، مقتدرانه قابل پیش بینی است.

ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۳۴۴ ضریب تعیین

$R^2 = 0/43$ نشان می دهد که ۴۳ درصد از تغییرات

جدول ۵- تحلیل واریانس رگرسیون

| منابع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F | sig |
|-------------|---------------|------------|-----------------|-------|-------|
| رگرسیون | ۱۲۶۳/۵۶۸ | ۲ | ۳۱۵/۸۹۲ | ۲۵/۰۹ | ۰/۰۰۰ |
| باقی مانده | ۱۹۹۱۸/۴۸۸ | ۳۰۷ | ۱۱۴/۴۷۴ | | |
| کل | ۲۱۱۸۲/۰۵۶ | ۳۰۹ | -- | | |

بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک با ۹۹ درصد اطمینان

تایید می شود؛ یعنی سهم هر یک از شیوه های فرزند

پروری بر پیش بینی احساس تنهایی کودکان متفاوت است.

میزان آماره **F** برابر ۲۵/۰۹ و سطح معناداری برابر

۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک تر از میزان

خطای نوع اول در سطح ۰/۰۱ است؛ لذا رابطه معنی دار

جدول ۶- خلاصه تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی متغیر احساس تنهایی کودکان بر اساس سه مولفه شیوه فرزندپروری سهل گیرانه،

استبدادی، مقتدرانه ($n = 302$).

| پیش بینی کننده ها | متغیر وابسته: احساس تنهایی | ضرایب استاندارد نشده B | ضرایب استاندارد شده | مقدار t | سطح معناداری sig |
|-----------------------|----------------------------|------------------------|---------------------|---------|------------------|
| عدد ثابت | | ۳۹/۷۴ | - | ۸/۶۹۱ | ۰/۰۰۰ |
| فرزندپروری سهل گیرانه | | ۰/۳۴۲ | ۰/۱۹۰ | ۱/۲۸۵ | ۰/۰۱۳ |
| فرزندپروری استبدادی | | ۰/۳۹۹ | ۰/۱۷۷ | ۱/۷۶۰ | ۰/۰۰۸ |
| فرزندپروری مقتدرانه | | ۰/۲۵۱ | ۰/۲۳ | ۰/۵۲۰ | ۰/۰۰۰ |

$R = 0/34$ $R^2 = 0/41$ استاندارد: $R^2 = 0/43$ $F = 25/09$ * $p < 0/05$ ** $p < 0/01$

درصد معنادار است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین

۳ متغیر پیش بین با متغیر احساس تنهایی همبستگی

معنادار وجود دارد.

در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست

آمده می توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب

رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

(مقتدرانه) ۰/۲۳ (استبدادی) ۰/۱۷ (سهل گیرانه)

$Y = 39/74 - 0/19$ احساس تنهایی (Y)

به ازای یک واحد افزایش در متغیر شیوه فرزندپروری

سهل گیرانه ۰/۱۹، شیوه فرزندپروری استبدادی ۰/۱۷ و به

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود مقدار R^2

به دست آمده (۰/۴۱) بدین معنی است که ۴۱ درصد از

واریانس متغیر احساس تنهایی توسط ۳ متغیر شیوه فرزند

پروری سهل گیرانه، استبدادی، مقتدرانه بطور همزمان

تبیین می شود، به عبارت دیگر ۴۳ درصد از پراکندگی

مشاهده شده در متغیر احساس تنهایی توسط این ۳ متغیر

بطور همزمان توجیه می شود مقدار R مشاهده شده

(۰/۳۴) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی

حاضر می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر

این نسبت F محاسبه شده (۲۵/۰۹) در سطح اطمینان ۹۹

ازای یک واحد افزایش در متغیر شیوه فرزندپروری مقتدرانه ۰/۲۳ افزوده می شود و مولفه شیوه فرزندپروری مقتدرانه بیشترین سهم (۰/۲۳) و شیوه فرزندپروری استبدادی کمترین سهم (۰/۱۷) را در پیش بینی احساس تنهایی کودکان دارند.

فرضیه چهارم: سهم هر یک از شیوه های فرزندپروری بر پیش بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان متفاوت است.

جدول ۷- تحلیل رگرسیون به روش **Enter** متغیرهای پیش بین (شیوه های فرزندپروری) و متغیر ملاک (اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود)

| مدل | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد |
|-----|----------------------|------------|----------------------|
| ۱ | ۰/۶۷۳ | ۰/۴۵۳ | ۰/۴۴۱ |

ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۶۷۳ ضریب تعیین $R^2 = ۰/۴۵$ نشان می دهد که ۴۵ درصد از تغییرات (واریانس) شیوه های فرزندپروری از طریق سه متغیر شیوه

جدول ۸- تحلیل واریانس رگرسیون

| منابع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F | sig |
|-------------|---------------|------------|-----------------|-------|-------|
| رگرسیون | ۲۹۴۸۰/۸۱۷ | ۳ | ۷۳۷۰/۲۰۴ | ۳۶/۴۵ | ۰/۰۰۰ |
| باقی مانده | ۳۵۵۸۰/۸۴۰ | ۳۲۱ | ۲۰۲/۱۶۴ | | |
| کل | ۶۵۰۶۱/۶۵۷ | ۳۲۴ | -- | | |

اطمینان تایید می شود؛ یعنی سهم هر یک از مولفه های شیوه های فرزندپروری در پیش بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان متفاوت است.

میزان آماره F برابر ۳۶/۴۵ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک تر از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۱ است؛ لذا رابطه معنی دار بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک با ۹۹ درصد

جدول ۹- خلاصه تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی متغیر اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود از طریق سه متغیر بر اساس شیوه فرزندپروری سهل گیرانه، استبدادی، مقتدرانه ($n = ۳۰۲$).

| پیش بینی کننده ها | متغیر وابسته: اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود | مقدار t | | سطح معناداری sig |
|-----------------------|---|------------------------|---------------------|------------------|
| | | ضرایب استاندارد نشده B | ضرایب استاندارد شده | |
| عدد ثابت | ۵۲/۵۴ | - | ۱۱/۷۵۳ | ۰/۰۰۰ |
| فرزندپروری سهل گیرانه | ۰/۱۳۷ | ۰/۳۳۷ | ۱/۴۴۹ | ۰/۰۰۴ |
| فرزندپروری استبدادی | ۱/۸۹۴ | ۰/۴۹۰ | ۲/۳۳۵ | ۰/۰۰۰ |
| فرزندپروری مقتدرانه | ۰/۲۱۸ | ۰/۲۵۹ | ۱/۹۶۱ | ۰/۰۰۸ |

$R = ۰/۶۷$ $R^2 = ۰/۴۵$ استاندارد: $R^2 = ۰/۴۴$ $F = ۳۶/۴۵$ $* p < ۰/۰۵$ $** p < ۰/۰۱$

همان طور که در جدول ۹ مشاهده می شود مقدار R^2 به دست آمده (۰/۴۵) بدین معنی است که ۴۵ درصد از واریانس متغیر اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود توسط ۳ متغیر شیوه فرزند پروری سهل گیرانه، استبدادی، مقتدرانه بطور همزمان تبیین می شود به عبارت دیگر ۴۵ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر

اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود توسط این ۳ متغیر بطور همزمان توجیه می شود، مقدار R مشاهده شده (۰/۶۷) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این نسبت F محاسبه شده (۳۶/۴۵) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، بنابراین می توان نتیجه

گرفت که بین ۳ متغیر پیش بین با متغیر اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود همبستگی معنادار وجود دارد.

در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

$$\text{(استبدادی)} + 0/49 + (\text{سهل گیرانه}) - 0/33 - 0/54 = \text{درون نمود و برون نمود (Y)}$$

$$+ 0/25 \text{ (مقتدرانه)}$$

به ازای یک واحد افزایش در متغیر شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۳۳ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر شیوه فرزندپروری استبدادی ۰/۴۹ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر شیوه فرزندپروری مقتدرانه ۰/۲۵ اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود افزوده می‌شود و مولفه شیوه فرزندپروری استبدادی بیشترین سهم (۰/۴۹) و شیوه فرزندپروری مقتدرانه کمترین سهم (۰/۲۵) را در پیش‌بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل آماری داده‌های پژوهش حاصل از فرضیه اول نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری با احساس تنهایی کودکان همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های رادفر و همکاران (۱۴۰۱)، مقبل باعرض و همکاران (۱۴۰۰)، نازپورمظاهری و قلی‌زاده (۱۴۰۰)، جوهری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰)، صدامتی‌فرد (۱۴۰۰)، قسامی و همکاران (۱۳۹۹)، ماشینیچی و زارعی (۱۳۹۹)، گالامبوس و همکاران (۲۰۲۲)، جونز و همکاران (۲۰۲۲) و هارت و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در خانواده با شیوه فرزندپروری استبدادی نسبت به شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه فرزندان از رفتارهای اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و والدین واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی نادرستی به کودکان خود منتقل می‌کنند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره نمی‌برند و با بیان انتظارات منطقی خود از فرزندان، به ایجاد یک احساس بی‌اعتمادی به خود و دیگران در کودک کمک نمی‌کنند. در صورتی که کودکانی که والدین مقتدر دارند، روابط با کیفیت‌تری نیز

غیرعاطفی بودن والدین و فرزندان خواهد گردید. وجود احساس تنهایی در فرزندان خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مستبد احتمالاً به این امر منجر خواهد شد که این فرزندان برای رفع نیازهای عاطفی و خلأ ناشی از روابط گرم با خانواده به گروه‌های همسال و یا روابط خارج از چارچوب اجتماعی گرایش پیدا کنند. نبودن آگاهی والدین از احساسات و عواطف کودکان بویژه از لحاظ روابط اجتماعی و جدی نگرفتن کودکان، آنها را با بحران‌هایی نظیر احساس تنهایی مواجه می‌کند. خودآثرمندی اجتماعی کودکان همواره به‌عنوان یکی از اهداف عالی نظام رسمی تعلیم و تربیت بوده است. احساس تنهایی حاصل محروم ماندن از صمیمیت است. احساس تنهایی، احساس کودک از نبود صمیمیت بین خانواده است. احساس تنهایی تجربه‌ای ناخوشایند است که در پاسخ به نارسایی‌های کمی یا کیفی در شیوه‌های فرزندپروری ظاهر می‌شود.

تحلیل آماری داده‌های پژوهش حاصل از فرضیه دوم نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری با اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های نازپورمظاهری و قلی‌زاده (۱۴۰۰)، جوهری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰)، داودی و صدامتی‌فرد (۱۴۰۰)، قسامی و همکاران (۱۳۹۹)، ماشینیچی و زارعی (۱۳۹۹)، گالامبوس و همکاران (۲۰۲۲)، جونز و همکاران (۲۰۲۲) و هارت و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در خانواده با شیوه فرزندپروری استبدادی نسبت به شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه فرزندان از رفتارهای اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و والدین واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی نادرستی به کودکان خود منتقل می‌کنند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره نمی‌برند و با بیان انتظارات منطقی خود از فرزندان، به ایجاد یک احساس بی‌اعتمادی به خود و دیگران در کودک کمک نمی‌کنند. در صورتی که کودکانی که والدین مقتدر دارند، روابط با کیفیت‌تری نیز

جو دارند(مقتدر) و افسرده تر هستند. بنابراین شیوه های فرزند پروری والدین در تعامل با سایر عوامل چون محیط و خصوصیات فردی در کاهش احساس تنهایی کودک نقش بسزایی دارد.

تحلیل آماری داده های پژوهش حاصل از فرضیه ی چهارم نشان داد که سهم هر یک از شیوه های فرزندپروری بر پیش بینی اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان متفاوت است. نتایج این پژوهش با یافته های مقبل باعرض و همکاران(۱۴۰۰)، [نازپورمظاهری و قلی زاده](#) (۱۴۰۰)، جوهری فرد و همکاران (۱۴۰۰)، داودی و صداقتی فرد (۱۴۰۰)، قسامی و همکاران (۱۳۹۹)، ماشینچی و زارعی (۱۳۹۹)، هارت و همکاران (۲۰۲۱) و نانسی و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که شیوه فرزندپروری والدین از لحاظ پاسخدهی در سطح بالایی قرار دارند لکن توقعات آنها از فرزندانشان اندک است و از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند چنین والدینی فرزندان خود را به حال خود رها می کنند و به رفتار فرزندان توجهی ندارند در نتیجه فرزندان اینگونه والدین سهل گیر و به طور کلی بی خیال، بی ثبات و از محبت و تنبیه، کناره گیری می کنند. آنها در کنترل کردن تکانه هایشان مشکل دارند و وقتی از آنها می خواستند کاری را انجام دهند که با تمایلاتشان مغایر بود اطاعت نمی کردند و بسیار پرتوقع و وابسته به دیگران بودند علاوه بر این کودکان والدین سهل گیر از خودمهارگری و اعتماد به نفس اجتماعی پایین تری برخوردار هستند فرزندان که والدین سهل گیر دارند از نظم و انضباط هیچ بهره ای نبرده اند، افرادی خود کامه و خود رأی هستند. در ارتباط با دیگران مشکل دارند، زیرا که به میل و توجه دیگران توجهی نداشته، تنها مسئله مورد توجه آنها امیال و خواست های خودشان می باشد از قبول مسئولیت عاجز هستند و در زندگی اجتماعی و زندگی با دیگران مشکل دارند و اغلب در زندگی با شکست روبرو هستند. دلیل کاهش عزت نفس دانش آموزان با شیوه فرزند پروری استبدادی از آنجا

با همسالان خود دارند. این یافته تأثیر مثبت گرمی، صمیمیت و اقتدار در روابط والد- فرزند و شیوه تربیتی مقتدرانه را نشان می دهد، والدینی که از شیوه ی فرزندپروری اقتدارگرا استفاده می کند، فرزندان آنها دارای مهارت های اجتماعی، شایستگی بالا و رشد اجتماعی خوب، و اختلالات رفتاری کمتری دارند.

تحلیل آماری داده های پژوهش حاصل از فرضیه ی سوم نشان داد که سهم هر یک از شیوه های فرزندپروری بر پیش بینی احساس تنهایی کودکان متفاوت است. نتایج این پژوهش با یافته های جوهری فرد و همکاران (۱۴۰۰)، داودی و صداقتی فرد (۱۴۰۰)، قسامی و همکاران (۱۳۹۹)، ماشینچی و زارعی (۱۳۹۹)، جونز و همکاران (۲۰۲۲)، هارت و همکاران (۲۰۲۱) و نانسی و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که خانواده جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد و تنها نهادی است که وظیفه دگرگون کردن ارگانیزم زیستی و تبدیل آن به موجود انسانی را بر عهده دارد. خانواده از طریق پایه ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود و اجرای نقش های اجتماعی گوناگون و در یک جمله از طریق شیوه های اجتماعی کردن به درجات مختلف، شیوه تربیتی والدین پیامدهای مهمی برای سازگاری روانی - اجتماعی کودکان به همراه دارد. زیرا شیوه های فرزندپروری والدین تمام جنبه های زندگی کودک را مانند گرایشات رفتاری تحت تاثیر قرار می دهد. آدلر معتقد است که والدینی که کودکان خود را طرد می کنند به کمبود محبت و امنیت می انجامد که احساس تنهایی را برای شخص باقی می گذارد. هورنای و فروم نیز درباره کمبود صمیمیت و محبت والدین و تاثیرات آن بر احساس تنهایی مطالعات فراوانی نموده اند. مطالعات مختلف حاکی از آن است که نگرش های پذیرنده و دموکراتیک والدین، امکان رشد را به حداکثر می رساند و فرزندان این والدین، رشد ذهنی، ابتکار، امنیت عاطفی و نظارت فزاینده ای را نشان می دهند. والدین طرد کننده و سلطه جو، فرزندان متزلزل، سرکش، پرخاشگر و ستیزه

نشأت می گیرد که والدین با سبک مستبدانه در برابر فرزند خود بی مسئولیتند، گرایش به استفاده از تنبیهات بدنی و مجازات و ممانعت از مداخله فرزندشان در کارها را دارند؛ این افراد در مقایسه با سطح رشدی خود بیشتر منزوی و افسرده می باشند و کمتر به دیگران اعتماد دارند، همچنین در برقراری روابط با همسالان و احراز موضع فعال و نیز استقلال رأی در رتبه های پایین تری نسبت به افراد با والدین مقتدر قرار می گیرند. عدم آگاهی والدین از روش های تربیتی مناسب و به کارگیری روش های مستبدانه و سختگیرانه بدون توجه به حقوق، احساسات و عواطف فرزندان می تواند خشم و تنفر فرد را نسبت به خود و دیگران برانگیزد و عاملی در جهت کاهش اختلالات رفتاری در وی شود. نوع دانش آموزشی که والدین مقتدر دارند، از اختلالات رفتاری بالایی برخوردارند و روابط با کیفیت تری نیز با همسالان خود دارند. این یافته تأثیر مثبت گرمی، صمیمیت و اقتدار در روابط والد- فرزند و شیوه تربیتی مقتدرانه را نشان میدهد. مادرانی که کودکانشان اختلالات رفتاری بالایی دارند، نمرات بالاتری را در مقیاس های پرخاشگری رفتار بیرحمانه نسبت به سایر مردم و حیوانات، فحاشی، تحمل کم در مقابل ناکامی، تحریک پذیری، دروغگویی، رفتارهای پرخطر و بی پروا (مانند روابط جنسی، نقض قانون)، سوء مصرف مواد، فوران خشم از خود نشان دادند. والدینی که از شیوه ی فرزندپروری اقتدارگرا استفاده می کند فرزندان آنها دارای مهارت های اجتماعی، شایستگی بالا و رشد اجتماعی خوب، و اختلالات رفتاری کمتری دارند از این رو نوع فرزندپروری در اختلالات رفتاری تأثیر دارد.

بر اساس یافته های حاصل از پژوهش پیشنهادهای زیر توصیه می گردد: پیشنهاد می شود که موضوع شیوع و پیشگیری از اختلال رفتاری و همچنین پیشگیری از عود آنها در بین دانش آموزان پسر و دختر دوره ابتدایی این شهرستان و سایر شهرستان ها بیشتر مورد توجه پژوهشگران، مربیان، مشاوران و متخصصان بالینی قرار

گیرد تا بدین نحو بتوان اقدامات مداخله ای را به شیوه ای مناسب صورت داد و تصمیمات مناسب در این زمینه اتخاذ کرد. پیشنهاد می شود که با کارگیری این شیوه مداخله ای از برنامه های آموزش شیوه های فرزند پروری والدین نیز به منظور کاهش احساس تنهایی کودکان استفاده گردد. پیشنهاد می شود که اطلاع رسانی و آموزش به والدین، در زمینه بررسی اختلال رفتاری در شناسنامه سلامت کودکان در بدو ورود به مدرسه در نظر گرفته شود تا با شناسایی مبتلایان و مداخله مناسب بتوان از عوارض خطیر آن در بزرگسالی جلوگیری کرد. پیشنهاد می شود که درمان رفتاری کودکان مبتلا به اختلال رفتاری انجام شود. این رویکرد با پرداختن به رویدادهای محیطی، تعارض های فرد مبتلا به محیط را کاهش می دهد و به درمان آن می پردازد. تقویت مثبت رفتارهای عادی توسط معلمان و شیوه های فرزند پروری والدین به همراه بی توجهی و تندمزاجی ها و تمهیدات رفتاری شناختی مجموعه درمانی مؤثری را تشکیل می دهند. پیشنهاد می شود با آموزش صحیح و عملی به تمامی دانش آموزان مقاطع تحصیلی به توان موجبات ارتقاء هر چه بیشتر آنان را در ابعاد گوناگون سلامت روان و رفع نشانه های احساس تنهایی را فراهم نمود و همچنین از نتایج آن در پیشگیری از مشکلات و ناهنجاریهای شایع بهینه استفاده نمود. پیشنهاد می شود به منظور آگاهی از احساس تنهایی دانش آموزان و شناسایی ضرورت ها و محورهای اصلی آموزش مهارت های مقابله ای دفاتر مرکزی مشاوره در صدد جمع آوری اطلاعات لازم با استفاده از تحقیقات و پژوهش های انجام گرفته و نیازسنجی و نظرسنجی از دانش آموزان برآمده و در این رابطه اقدامات لازم توسط سازمان های مربوطه (آموزش و پرورش) را انجام دهند. پیشنهاد می شود رسانه های جمعی با فراهم کردن اطلاعات درست و مناسب در زمینه اختلالات روان شناختی کودکان و درمان های مناسب، اطلاعات لازم را ارائه نموده و آموزش مناسب در رابطه با کودکان بیش فعال را پیگیری نمایند. پیشنهاد می شود در پژوهش های

آتی به صورت کلی تر شرایط آزمایشی بهتری در جهت کنترل متغیرهای ناشناخته در پژوهش را طرح ریزی کنند تا بتوانند درخصوص روابط بین متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش استنباط عملی داشته باشند. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی با توجه به این که در محدوده زمانی اجرای پژوهش عملاً امکان نمونه گیری بیشتر وجود نداشت با جمع آوری نمونه های آماری بیشتر به ارزیابی و بررسی در زمینه اختلالات رفتاری اقدام گردد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی به صورت وسیعتر در مورد شیوه های فرزند پروری، احساس تنهایی و اختلالات رفتاری درون نمود و برون نمود کودکان در گستره ی جغرافیای متفاوت انجام گیرد تا امکان کنترل شرکت کنندگان به خصوص از لحاظ سن و تحصیلات وجود داشته باشد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی بر روی دانش آموزان مقطع تحصیلی دیگر صورت پذیرد و لذا به منظور تعمیم نتایج به دست آمده و اجرای پژوهش های بعدی در رده های سنی و گروه های تحصیلی مختلف و همچنین توجه به متغیرهایی از جمله عوامل فرهنگی، اقتصادی، شیوه های فرزندپروری در این زمینه ضروری خواهد بود.

منابع

توکلی زاده، جهانشیر؛ تونزنده جانی، حسن؛ لگزیان، زهرا. (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷، شماره ۲، ۶۴-۵۶.

جوهری فرد، معصومه؛ زهرا کار، کیانوش؛ فرخی، نورعلی؛ مردانی راد، مژگان. (۱۴۰۰). بررسی مدل علی گرایش به رفتار پرخطر نوجوانان بر اساس باورهای فراشناختی و سبک های هویت با میانجی گری افکار منفی تکرارشونده و تاب آوری، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ۱۹۴-۱۶۱.

حسن زاده محمدی، نجیمة؛ طباطبایی نژاد، فاطمه سادات. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه ای مهارت های ارتباطی در رابطه بین مهارت های دوست یابی و احساس تنهایی دانش آموزان دوره متوسطه اول شهرستان نایین در سال ۱۴۰۰، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۸، شماره ۱، ۷۳۰-۷۱۶.

خویی نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا؛ محب راد، تکتم. (۱۳۹۲). رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر، دانش و پژوهش در روان شناسی، شماره ۳۴، ۹۲-۷۵.

داودی، ماهرخ؛ صداقتی فرد، مجتبی؛ (۱۴۰۰). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با عزت نفس و احساس خودکارآمدی کودکان، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۷، شماره ۱، ۶۶۹-۶۵۶.

رادفر، شیوا؛ زارعی، اقبال؛ سودانی، منصور؛ معلم، مهناز. (۱۴۰۱). اثربخشی بسته آموزشی فرزندپروری بر کاهش مشکلات اجتماعی و کمبود توجه نوجوانان دارای مشکلات عاطفی و رفتاری؛ رویش روان شناسی، جلد ۲۱، شماره ۱، ۳۲-۱۷.

شمسیان، محمد؛ فرهادی شوربلاغی، احسان؛ رضوی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک های فرزندپروری با اختلالات رفتاری کودکان ۹ الی ۱۳ سال، سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.

شیرین ترکش دوز؛ فرخزاد، پگاه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه اختلالات رفتاری کودکان با سبک های فرزندپروری و سبک های دلبستگی، سلامت اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۲۶-۱۱۸.

قسامی، مریم؛ کلانتری، مهرداد؛ طالبی، هوشنگ؛ امیری، شعله. (۱۳۹۹). نقش عوامل مادرانه در شکل گیری مشکلات رفتاری کودکان: تلویحاتی در فرزندپروری، روانشناسی بالینی و شخصیت، شماره ۲، پیاپی ۳۵، ۳۶-۲۱.

Canio, G. Bird HR, Rubio-stipec, M. and Bravi, M. (2015) "child psychiatric epidemiology: What we have learned and what we need to learn". *Int J Meth psychiatr Res* 5(2):79-92.

Elhageen AAM. (2014). Effect of Interaction between Parental Treatment Styles and Peer Relations in Classroom on the Feelings of Loneliness among Deaf Children in Egyptian Schools [dissertation]. Eberhard-karls-university.

Galambos, N.L., Barker, E.T. & Almeida, D.M. (2022). Parent do matter: Trajectories of change in externalizing problem of early adolescence. *Child Development*, 74, 578-594.

Hetthrington M and Reiss D. (2020). Genetics questions for environmental studies. *Archives of General Psychiatry*; 52(11): 955-936.

Qualter, P., Brown, S.L., Rotenberg, K.J., Vanhalst, J., Harris, R.A., Goossens, L., Bangee, M., Munn, P. (2013). Trajectories of loneliness during childhood and adolescence: predictors and health outcomes. *Journal of Adolescence*, 15, 1-11.

ماشینیچی، علی اصغر؛ زارعی، تاج الدین. (۱۳۹۹). رابطه بین شیوه فرزندپروری والدین با عملکرد تحصیلی فرزندان دختر و پسر آنها در مقطع ابتدایی پایه دوم شهرستان عسقلویه در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، دوره جدید، شماره ۴۰، ۱۴۴-۱۳۱.

مقبل باعرض، فرزانه؛ قربان جهرمی، رضا؛ درتاج رابری، فریبرز. (۱۴۰۰). تدوین مدل مهارت خواندن کودکان پیش‌دبستانی بر اساس کمال‌گرایی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با نقش میانجی هوش هیجانی، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، جلد ۵، شماره ۲، ۲۱۲-۲۰۱.

مقصودی، سوده؛ درویشی، سعیده؛ امیرآبادی، مریم. (۱۳۹۳) رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم دبیرستان (مورد مطالعه: مدارس کار و دانش شهر بیرجند). *مطالعات فرهنگی - اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۴، ۴۴-۲۵.

نازپورمظاهری، فرح؛ قلی‌زاده، علی. (۱۴۰۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان، *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، دوره ۷، شماره ۴، ۴۹-۳۵.

Akhenbach, T.M., & Rescorla, L.A. (2018). *Manual for the ASEBA school age: Form & profiles* Burlington, VT: University of Vermont.

Alexander, T.E. (2016). Parenting and behaviors of 12 to 15-year-old males in The Virgin Islands. Unpublished doctoral dissertation, Walden University, New York, Available.

Baumrind, D. (2018). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Family transitions* (Vol. 2, PP. 111-163). Milldale NJ: Erlbaum.

Berguno G Leroux P Mcainish, K. & sheikh, S. (2017). Experience of loneliness at school and its relation to bullying and quality of teacher interventions. *The qualitative report* 9 483-499.

Quarterly Journal of Educational Psychology
Islamic Azad University Tonekabon Branch
Vol. 11, No. 4, winter 2021, No 44



Journal of Educational
Psychology

The relationship between parenting methods and feelings of loneliness and internalizing and externalizing behavioral disorders of parents-students

Maryam Taghvae Yazdi¹

1) Associate Prof, Department of Educational management, Sari branch, Islamic Azad university,
Sari, Iran

Abstract

The purpose of this research was to investigate the relationship between parenting methods, feelings of loneliness and internalized and externalized behavioral disorders of primary school students in Sari, Region 1. This research has been descriptive-correlation type and the statistical population includes all the parents-students of girls' elementary school in Sari city, region 1, whose number is 1400, using multi-stage random-cluster sampling method, 181 parents. and 121 students have been selected, and the collection tool is a 30-question questionnaire of parenting methods (Bamrind, 1991), a 24-question questionnaire on feelings of loneliness (Asher SLFS, 1984) and a child behavior list (Achenbach CBCL, 1991). The validity and reliability of the tools were confirmed after the review. Pearson's correlation coefficient and regression test were used for data analysis. The results showed that there is a relationship between parenting methods and children's feeling of loneliness. There is a relationship between parenting methods and children's internalizing and externalizing behavioral disorders. The results of the regression analysis also indicated that the contribution of each parenting style to the prediction of loneliness and internalizing and externalizing behavioral disorders of children is different, and the component of authoritative parenting style has the largest contribution (23. 0.0) and authoritarian parenting style with the lowest contribution (0.17) play a role in predicting children's feeling of loneliness. The component of authoritarian parenting style with the highest share (0.49) and authoritarian parenting style with the lowest share (0.25) play a role in predicting internalizing and externalizing behavioral disorders of children.

Key words: parenting, loneliness, internalizing and externalizing behavioral disorders.
